



۱۳۶۷

تورج اتابکی : دگردیسی سیاست کمونیست های
خراسان ،
در نخستین سال های ۱۳۰۰

چشم انداز

چرا "چشم انداز"؟ (ناصرپاکدامن) - توسعه و
دموکراسی (سامی نایر) - آغا زجنیش کمونیستی
در خراسان (تورج اتابکی) - پرسه (ا. پرویز) -
جزرومد (بهروز آذر) - بن بست (محسن یلفانی) -
پنج شعر (اسماعیل خوئی) - دوشعر (سعید یوسف)
غربت نامه (هوشنگ هیرکانی) - چادرهای باگلهای
ریزمینا (نسرین اتحاد) - کتاب ، سانسور و . . .



تابستان ۱۳۶۵



دگردیسی

تورج اتابکی

سیاست کمونیستهای خراسان

در نخستین سالهای ۱۳۰۰

در این نوشته برای نخستین بار سندی نو یافته به دست می‌دهیم از جنبش چپ خراسان . این سند ، مرامنامه حزبی است گمنام به نام "حزب رنجبران ایران" که در ۱۴ حوت (اسفند) ۱۳۰۰ خورشیدی در مشهد برپا شد . این راکسه پژوهشگران جنبش چپ ایران در همسنگی با آذربایجان ، گیلان و یاجتی تهران ، جای کمی به خراسان داده اند تا دیدتتها در ضعف نسبی جنبش در آنجا جستجو کرد ، چرا که نبود اسناد و مدارک ضروری برای پژوهش نیز از جمله مشکلات است . اما روش بسنده کردن تنها به چاپخش سندنیز روشی است بدون ارزش تارینگاری و بی بهره از تعقل تاریخی . سنداتاریخی ، تنها آنگاه که بر بستری تحلیلی یا تقویمی قرار گیرد می‌توانند همگان را به کار آید . اگر ارزشی در کار باشد تنها در پژوهشی از این دست است . هر چند پژوهشی با کاستیهای فراوان . و گرنه بر رسالت کلید داران با یگانیهای دولتی حدی نیست .

کارنامه جنبش سوسیال دمکراتیک خراسان - پیش از انقلاب مشروطیت و حتی پس از آن - چندان چشمگیر نمی‌شماید . حیدرخان عمواوغلی که ۱۵ ماهی (۸۲ - ۱۲۸۱ خورشیدی) را در مشهد با شغل مهندسی برق گذراند ، ناخرسندی خود



را از حال و هوای آن دیا رچنین آورده است: "در شما مدت پا نزده ما ه که من در خراسان اقامت داشتم، هر چه سعی و تلاش کردم که بلکه بتوانم یک فرقه سیاسی به دستور روسیه تشکیل بدهم، ممکن نشد. چون کله های مردم به قدری نارس بود که سعی من در این ایام بی نتیجه ماند و مطلقاً معنی کلمات مرادگر نمی کردند. در این مدت فقط یک نفر مشهدی، ابراهیم نامی را که کارخانه گیلزسازی آورده، مشغول ساختن گیلزسیگا ریودیا خودم هم عقیده یافتم که می توانستم با او صحبت فرقه ای به میان آورم. چون دیدم کوشش من در خراسان بی فایده مانده، لذا در ۱۷ رجب ۱۳۲۱ (میزان) (مهر) ۱۳۸۲ به سمت تهران عازم شدم" (۱).

همگام با گسترش تهافت مشروطیت، اندیشه سوسیال دمکراسی بین راهی از انقلابیان ایرانی جای باز کرد. گامهای هر چند کوتاه در راستای بهره گیری از این اندیشه اجتماعی در نهضت مشروطیت برداشته شد. می توان گفت از جمله همین اندیشه بود که در شکل گیری فکر دمکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران موثر افتاد (۲). در سنبله (شهریور) ۱۳۸۶، سالروز تولد امام دوازدهم شیعیان (۱۵ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق)، برای نخستین بار مجاهدان ایرانی در مشهد "با تصویب اداره مرکزی جمعیت، توسط منتخبین اداره مرکزی به اتفاق وکلای نمایندگان شعب فرعی به اکثریت آراء، مقرراتی را تدوین کردند که نام آنرا "نظامنامه و مراعات مناسبات شعبه ایرانی جمعیت مجاهدین متشکله در مشهد" گذاشتند (۳).

خواستهای جمعیت از جمله عبارت بود از: "موجودیت مجلس ملی و حفظ آن الی الابد. - حق رأی عمومی بدون فرق موقعیت، ملیت و بدون تفاوت بین فقیر و غنی. - تقسیم کرسی های مجلس بر حسب تعداد جمعیت و نه بر حسب طبقات و قشرها. - تصمیم و رعایت آزادی های هفتگانه: قلم و مطبوعات، نطق، مجامع، بیان، شخصیت، جمعیت و اعتماد. - تعلیمات اجباری و مجانی. - تقسیم زمین بین دهقانان فقیر. - کار روزانه ۸ ساعت. - و سرآفرین که "وزرا در مقابل مجلس که خود آنها را تعیین می کنند مسئول خواهند بود."

در نظامنامه جمعیت تأکید بر آن رفته که "مرکزکل اداره مجاهدین... کما فی السابق در قفقاز خواهد بود و کلیه شعب داخل مملکت و خارج موظفند او را اداره مرکزی را بی چون و چرا به موقع اجرا گذارند." اما در هیچ جای نظامنامه حرفی از دیگر شعبه های "جمعیت" در دیگر شهرهای خراسان نیست. تنها نشانه ای که از عملکرد خارج از مشهد این جمعیت در دست است، گزارشی است از "استاندار ترکستان روس" گویای این که "در عشق آباد، یکی از این شعب فرعی وجود داشته که تحت نظر شعبه مشهد اداره می شده و از مشهد به آنجا مبلغ



اعزام می‌گشته است و این شعبه فرعی تا اواخر سال ۱۹۰۷ (پائیز ۱۲۸۶) موفق شده بود یک دسته فدایی مرکب از ۱۵۰ نفر تجهیز نماید" (۴).

اما بالاش و گسترش چنین گروه‌هایی، نخست با کودتای منتهی بسه استبداد صغیر و پس از آن با اشغال شمال ایران توسط سپاهیان روس و سرآخر گسستگی سیاسی ناشی از جنگ اول جهانی، فروکش کرد.

با پایان جنگ چهره سیاسی منطقه و جهان نیز دگرگون شد. در پی انقلابهای فوریه و اکتبر ۱۹۱۷ (۹۶-۱۲۹۵) روسیه، ساختارهای کهن سیاسی بهم ریخت و حال و هوایی دیگر برای بخش از جهان حاکم شد.

خراسان در آستان این دگرگونی، قلمرو جغرافیایی را در بر می‌گرفت که بزرگترین شهر آن مشهد، جمعیتی به تقریب برابر ۷۰/۰۰۰ تن داشت (۵).

از شماره کل جمعیت خراسان چیزی نمی‌دانیم و همینطور شماره کارگران این استان و یا حتی شهر مشهد نیز روشن نیست. تنها آگاهی که در این زمینه از آن زمان داریم، این است که "در شهر مشهد علاوه بر کارگاههای قالبیاسی، کارگاههای گیلزسازی، تهیه برک، چرمسازی، نخریسی، رنگرزی، کفافی، فیروزه تراشی، زرگری، روغنکشی، قنادی و غیره وجود داشته و در آن روزها تنها در شهر مشهد وقائن ۱۵۰ کارگاه قالبیاسی دایر بوده که در بعضی از کارگاههای مشهد، تعداد کارگران از ۱۰۰ نفر تجاوز می‌کرده است" (۶ و ۷).

از پی انقلاب فوریه ۱۲۹۵/۱۹۱۷ روسیه، با کویبشتر به صورت مرکز فعالیت سوسیال دمکراتهای ایرانی درآمد. در شور (اردیبهشت) ۱۲۹۶، حزب عدالت از سوی ایرانیان در باکو تشکیل شد. تعداد نمایندگان خراسان در جلسه تشکیل این حزب را نمی‌دانیم، اما می‌دانیم که بعدها وقتی این حزب نخستین کنگره خود را برپا کرد (کنگره انزلی سرطان) (تیر) ۱۲۹۹. از پی این کنگره بود که حزب عدالت به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد. از ۱۵۰ نماینده حاضر در کنگره، ۲ تن نماینده کمونیستهای مشهد بودند (۸). می‌دانیم که در آن زمان حزب کمونیست ایران ۲۲۳ تن عضو داشت (۹)، اما توزیع جغرافیایی این شماره آشکار نیست.

در آغاز کمونیستهای خراسانی نام گروه خود را "کمیته ایالتی خراسان، فرقه اشتراکیون اکثریون ایران - عدالت"، نهادند و به تاریخ سرطان (تیر) ۱۳۰۰ برنامه خود را با عنوان "بیاننامه و پیشنهادات حتمی الاجرای کمیته ایالتی خراسان" چاپش کردند. اما گزارشهایی که از فعالیتهای اینان در یک سال بعد در دست است، هم‌اشاره‌ها سنادی می‌کنند که مه‌سر "کمیته مرکزی انقلابی آزادبخش خراسان" را با خود دارد (۱۰).

دلیل این تغییر نام را با یاد در رخداهای گیلان جستجو کرد. می‌دانیم که



در تابستان ۱۳۰۰، از پی گفتگوهای بسیار و سازش بین کمونیست‌ها به رهبری حیدرخان عمواوغلی و میرزا کوچک خان جنگلی، "کمیته انقلاب ایران" شکل گرفت. به دنبال برپایی این کمیته، نماینده‌ای برای ایجاد ارتباط با کلنل محمدتقی خان پسیان، فرمانده ژاندارمری خراسان که از حمل (فروردین) ۱۳۰۰ در برابر دولت مرکزی سربزه شورش برداشته بود، گسیل شد (۱۱). اما وقتی به خراسان رسید که نیروهای نظامی از سوی دولت مرکزی، شورشیان را سرکوب و "قوای ملی" آنان را پراکنده بودند (۱۲).

هرچند که با شکست حکومت خودمختار خراسان، دیگر جایی برای ارتباط با رهبران آن باقی نماند، اما گویا اندیشه انقلاب و برپایی "کمیته انقلاب" همچنان برجای ماند و کمونیست‌های خراسانی نیز صلاح کار خود را پذیرفتند. چنین نامی دیدند.

رهبری "کمیته مرکزی انقلابی آزادبخش خراسان" مرکب از ۶ عضو بود: آقا حسین رحیمزاده (که ریاست یا مسئولیت کمیته را بردوش داشت)، محمد آقا علی اف (از کارمندان کنسولگری شوروی در مشهد)، حسن آقا، میرزا محمود، غلام‌احمد اف و عباس تقی اف. دیگر اعضای فعال کمیته عبارت بودند از: سید جمال، میرزا عبدالحسین، شیخ عبدالکاسم زیارتنا مه‌خوان، سید مصطفی زیارتنا مه‌خوان، سامی سیدمهدی، غفار رضایف، مشهدی اسما عیل و قربان (۱۳).

"کمیته انقلابی" همگام با تلاش برای گسترش صفوف خود و مدارا خله در امور خراسان، عهده‌دار برپایی کارزار تبلیغاتی ضد استعماری علیه انگلیس بود. برای دولت نوبت‌دشوروی، خراسان به مثابه دروازه‌ای بود که تبلیغات بلشویکی برای شرق - افغانستان و هندوستان - و مقابله با منافع انگلستان در این بخش از جهان، از آن جاری می‌شد. مقامات انگلیسی برای این نکته آگاه بودند و هر اس خود را از اینکه "کمیته انقلابی" حلقه رابط سازمان‌های انقلابی هند و باکوبا شد، پنهان نمی‌کردند (۱۴). رابط‌های کمیته در هندوستان حاج میرزا عبدالحسین بلبل و حاج محمدیزدی - هر دو ساکن بمبئی - بودند. در کنار این دو، جواد قنادزاده نیز از جدی (دی) ۱۳۰۰ نقش نماینده تام‌الاختیار کمیته را در هندوستان بر عهده داشت (۱۵).

اما نقشی که خراسان و "کمیته انقلابی" آن در گسترش انگیزش انقلابی در شرق داشت، تنها به افغانستان و هندوستان منحصر نمی‌شد. آسیای مرکزی نیز در این قلمرو جای داشت. به سال ۱۲۹۷ یا ملاحیدر رهبران انقلاب روسیه، حیدرخان عمواوغلی برای برآه‌انداختن کارزار تبلیغاتی بلشویکی و سازمان‌دهی انقلابیان ترکستان، راهی آن دیار شد. گروه تبلیغ و ترویج و



حریکی که به ابتکار او در آنجا برپا شد ، نام "قطار شرق سرخ" (قبیله ش...وق
ظاری) را بر خود گذاشت . این گروه که با تشکیلاتی به نام "پرووی مسلمان"
(مسلمان بیروسو) که در کناره کمیته محلی حزب کمونیست ترکستان برپا شده
بود ، ارتباط داشت ، از مشهد به عنوان یکی از عمده پایگاه های خود استفاده
می کرد (۱۶) .

موانعی که انگلیسها به تدریج در راه گسترش انگیزش های انقلابی در
شرق ایجاد می کردند ، تنها موانعی نبود که در برابر "کمیته انقلابی" قرار
داشت . گام های جدی که دولت شوروی برای از سرگیری روابط اقتصادی خود
با انگلستان برداشته بود و بیامدن ، سازشهایی که بین دولت به منظور
پایان دادن به تبلیغات انقلابی در شرق و اجتناب از ورود روشی شده بود ،
مشکلی دیگر برای کمونیستهای خراسانی پدید می آورد . در کناره این مشکلات و
موانع با پیدایش انقلاب در خراسان و سراسر ایران ، از پی شکست
شورشهای خراسان و گیلان - میزان (مهر) ۱۳۰۰ - و کارزاری که دولت برای سر-
کوب کمونیستها برآورد ، ناامید بود . در مشهد حمله به "کمیته انقلابی"
از دلو (بهمن) ۱۳۰۰ آغاز شد . شایده این واکنشی بود که دولت در برابر تصمیم
"کمیته انقلابی" به ترور رضاخان وزیر جنگ نشان میداد : در اسناد وزارت
خارج انگلیس ، گزارشی داریم دال بر اینکه ۳ تن از اعضاء "کمیته انقلابی"
به نامهای غفار رضایف ، مهدی اسماعیل و قربان که هر سه عضو گروه عملیاتی ای
بودند که به دستور "کمیته انقلابی" برای ترور رضاخان وزیر جنگ برپا شده بود ،
بلافاصله پس از رسیدن به تهران از سوی ما موران خفیه دستگیری می شوند .
پیرامون این ادعا ، آگاهی بیشتری نداریم .

بهر روز در غروب روز ۲۸ دلو (بهمن) ۱۳۰۰ ، با حمله پلیس ، ۵ تن که ظن
به عضویت شان در کمیته می رفت به نامهای آقا سید حسین ، عبدالغفار خیاط ،
محمد صادق خیاط ، شیخ علی اکبر و آقا میرزا علی دستگیر شدند و اسنادی از کمیته
به دست پلیس افتاد (۱۷) . وزارت جنگ با ارسال تلگرافی به والی خراسان ،
ضمن تأیید کار والی در سرکوب کمونیستها ، از او خواست که اینان را به اتهامی
سوی انقلابیگری محاکمه کند ، چرا که در این صورت بیم دخالت سرکنسول
شوروی در مشهد می رفت (۱۸) .

همه این مشکلات و موانع در پیوند با یکدیگر ، کمونیستهای خراسان را به
آنجا کشاند که به تجدید نظر در خواستها و سیاستها شان دست زنند : در جلسه ای
مخفی که به تاریخ ۱۲ حوت (اسفند) ۱۳۰۰ در مشهد برگزار شد ، کسانی از اینان
پیشنها دتغییر نام تشکیلات و ارائه برنامه ای میانبر را عنوان کردند . جان
کلامان این بود که جنبش انقلابی در خراسان در حال افت است و نامواهداف



تشکیلات برای این زمان بسیار پیشرس. با بدتشکیلات رایبانا می جدید و برنامها و اهدافی میانهر و تردوباره زمان داد. امیدنیز بستند که "تشکیلات جدید بتواند با گسترش هر چه بیشتر صفوف خود، اعضای را به تدریج برای پذیرش اهدافی پیشروتر آماده کند".

این که آیا جدا از سیاست عمومی شوروی پیرامون ایران در آن زمان، که نزدیکی هر چه بیشتر با دولت مرکزی بود و یا سازشهایی که با انگلیس می شد و پیمانهای کاستن از تسلط انقلاب در شرق بود و پیشتر به آن اشاره رفت، شورویها در برپائی "تشکیلات جدید مشهد" دخالتی نیز داشتند را نمی دانیم. نمی دانیم که آیا کسانی هم در آن جمع بودند که با این طرح به مخالفت برخاستند یا نه. اما می دانیم که چنین پیشنهادی پذیرفته شد و قرار بر برپائی حزبی به نام "حزب رنجبران ایران" دادند (۱۹). (مرا مناه حزب رنجبران ایران در پیوست آمده است) (۲۰).

آماج و برنامها این حزب سراپا متفاوت با برنامها تشکیلاتی بود که کمونیستهای خراسان بر آن نام "بیاننامها و پیشنهادات حتمی الاجرای کمیته ایالتی خراسان فرقه اشتراکیون اکثریون ایران - عدالت" نهادند و نه ماهی پیش از آن به تاریخ سرطان (تیر) ۱۳۰۰، در "مطبعه زیرزمینی شبگرد نیشابور" به چاپ رسانده بودند (۲۱).

در اینجا برای درک بیشتر این دگرگونی مواضع سیاسی، به مطالعه همزمان این دو برنامها خواهیم پرداخت. سه قلمرو که برای این مطالعه برگزیده ایم عبارتند از: الف - چشمانداز تحولات اجتماعی، ماهیت آنان و نیز مساله کسب قدرت سیاسی. ب - برخورد با سدهای تاریخی - فرهنگی ای که در برابر گسترش اندیشه های نوین وجود داشت و از آن جمله باورهای دینی مردمان. ج - برخورد با بیگانگان و برنامها های سیاسی - اقتصادی آنان در ایران.

پیرامون مساله کسب قدرت سیاسی و ماهیت تحول اجتماعی مطلوب، بیاننامها کمیته ایالتی بر این باور بود که "اول بایستی در ایران یک قوه انقلابی ملی فراهم گردد تا با آن قوه دشمنان خارجی و بساط حکومت شاهی را محو و برطرف نماید." این مرحله اول انقلاب بود که بیاننامها آن را "دوره انقلاب ملی (دیموکراسی)" می خواند و قرار بود که فرقه اشتراکیون ایران، کوشش کند که "در صف این انقلاب، دهاقین و زارعین زیاد داخل شوند، چونکه بالاخره اتحاد و اتفاق آنها زیر بیرق کامونا خواهد شد." و پس از پایان این دوره، یعنی هرگاه که "دشمن عمومی و خارجی رفع شود و فتح و نصرت انقلابچیان محقق گردید، آنوقت این مبارزه ملی بدل به مبارزه صنفی شود. مبارزه ای که می بایست "هر مانع و فرقه ای را که در مقابل با شد رفع کرده، معارضین را محو



نموده و به طرف مقصد ملی یعنی اساس سوسیالیستی و کمونیستی " به پیش رود، آنان شعارهای آن روز خود را چنین برگزیدند: "مردود و محویاد دستگاه سلطنتی که مرکب است از خوانین و اعیان بی انصاف، بنا بود با دستکلیات مستبده حکومت شاهي." و این چنین به روشنی در برابر حکومت و نظام حکومتی صف گرفتند، شعارها بودی‌شان را دادند و چشم‌انداز خویش را از تحول مطلوب‌شان بر نمودند. اما ۹ ماهی بعد هم اینان در مراسم "حزب رنجبران ایران" به نونه‌ای دیگر در این قلمرو گام برداشتند. نه تنها مجلس شورا را منبع قدرت حکومتی خواندند و اعلام کردند که وزراء فقط در قبال این مجلس مسئولند و تنها قوانینی اعتبار دارند که موضوعه آن باشند، بلکه بجای تحول اجتماعی از گونه انقلاب، سخن از حمایت از حق مردم را شنیدند برای حکومت برخود از طریق انتخاب حکام، آن هم در انتخاباتی عمومی. انقلاب با مراحل "دیموکراتیک" و "سوسیالیستی" اش، جای خود را به اصلاح داد، اصلاح آن چه هست.

دو مراسم در پرتو ختن به گره‌های فرهنگی، تفاوت بسیار چشمگیری را آشکار می‌سازند. "بیاننامه" کمیته ایالتی، چنین به روشنی با ورهای دینی مردمان را به زیر سوال می‌برد که "رعایا و زارعین مظلوم بواسطه جهالت و نادانی که از عصرهای قبل به آنها به ارث مانده" رهایی از وضع موجود را نه با تکیه بر تلاش و توان خود، که "از خدا مسئلت می‌نمایند" و "مجتهدین بی‌وجدان ظالم، دوستان وفادار خوانین و ثروتمندان مفتخورند که به تشویق و کمک حکومت شاهي در قصرهای که روی استخوانهای پوسیده این ملت مظلوم گرسنه ساخته شده، مشغول عیش و عشرت گشته، شاد و خرم زندگی می‌کنند". "بیاننامه" با طرح صحیح جدایی دین و دولت و اینکه "مذهب را نباید در داخل درامورات سیاسی و حکومتی کرد و به کلی این دو قوه با یستی از یکدیگر جدا باشند"، به روشنی از کوتاهی کردن دست اهل دین از امور دنیوی سخن می‌راند. حضور ملایان را در "قوه قضائیه" نمی‌پذیرفت. می‌گفت "حال حاضر محاکم و مراجع جات مردم در دست روحانیونی است که قسمت اکثر آنها جزوه‌مان ملاکین و دولت‌مندانسی هستند که فقرای کاسبه گرفتار رزنجیر ظلم آنها هستند. در حقیقت دزد خودش پاسبان و ظالم خودش حاکم است. با یستی فوری چنین محاکمه‌ها عوض شده و عموماً اعضای محاکم یا بد طرف اطمینان فقرا و خصوما قضا محاکم با یستی انتخاب شده از طرف ملت باشد". بیاننامه حتی از دست اندازی به تکیه گاه اقتصادی ملایان نیز پروا نداشت و "موقوفات، که عده‌ای مجتهد مفتخور در دست گرفته و می‌خورند" را در "اختیار ملت" می‌خواست.

اما به یک باره در مراسم "حزب رنجبران" با طرحی دیگر روبرو می‌شویم. این بار، دین بمثابه "قوانین و قواعدی می‌آید که خداوند توسط انبیاء



معصوم خود برای هدایت نوع بشر وضع کرده است". و حزب رنجبران با پایبندی به دین خود را در "ظل توجهات دوازده ما م" می‌دانند و از کلیه اعضاء خود می‌خواهد که به اصول اسلام و فادار بمانند. دیگر سخن از کوتاه کردن دست اهل دین از امور دنیوی در میان نیست و بجای آن می‌خوانیم که "علما که وکیل انتشار و تشجیع قوانین مذهبی اسلامند"، باید بمثابه عوامل اجرایی دولتی، تحت نظارت حکومتی قرار گیرند.

پیرامون برخورد با بیگانگان، بی تردید، تلاش دولت شوروی برای همزیستی و برقراری روابط اقتصادی با انگلیس می‌بایست از جمله عمده ترین دلایلی باشد که دگرگونی در برنامۀ و شعار کمونیستهای خراسانی در برابر حکومت طمعکار، حریص و جهانگیر انگلیس را سبب شده است. اگر در "بیاننامه کمیته ایالتی" این سرمایه داران انگلیسی اندک مسئول سائل شدن صنعتگران و عملجات، آن هم به سبب واردات سیل و آرمال التجاره قلب و ارزانشان "به مملکت" می‌باشند، و از همین رومی‌بایست شعار "نیست و نا بود با حکومت طمعکار و حریص ظالم انگلیس" را داد، در "مرا منامه حزب رنجبران" سخن به روال دیگری است. در اینجا با اشاره به زمان که زمانه "اهتمام برای استقرار صلح بین المللی و روابط سیاسی و اقتصادی" است، از حکومت ایران خواسته می‌شود که به "اهمیت جغرافیایی خود پایی برده، روابط سیاسی و اقتصادی خود را با قدرتهای خارجی متزاید کند."

این اشاره به صلح بین المللی و روابط سیاسی و اقتصادی در سرف تکوینی که در اکناف جهان تحقق می‌یافت، چیزی نبود جز تا ثیری بلا فصل از تصور سیاست خارجی دولت شوروی که آن زمان همگام با تلاش برای همزیستی با انگلیس، سر آشتی با دولت ایران گرفته بود. تا ثیری که کمونیستهای خراسانی از تصور سیاست خارجی شوروی گرفتند و گامی که برای تطبیق سیاست خود با آن برداشتند شاید از نخستین گامهایی بود که از سوی کمونیستهای ایرانی برای تطبیق مبارزه طبقاتی در مقیاس ملی با جانبداریهای جهانی برداشته می‌شد. تاریخ بیش از نیم قرن جنبش کمونیستی ایران، چه بارها شاهد چنین کوششی بوده و چه تجربه های تلخ و مکرری را تکرار کرده است.

کمونیستهای خراسانی فرصتی برای کار بست و شجره آماج و برنامۀ حزب رنجبران خود نیافتند. حکومت خودکامه، فرصت مبارزه سیاسی آشکار را نه به آنان که به هیچ مخالفی نداد و هرمانعی را که در راستای تحکیم خودکامگی وجود داشت، به تدریج از میان برداشت. تنها راهی که در برابر مخالفان ماند، مبارزه مخفی بود. کمونیستهای خراسانی نیز چنین بدیلی را برگزیدند و بی آنکه نیمنگاهی به کارنامه شان کنند و یا حتی به یادآوری گفتگوهای خود



ر شب دوازدهم حوت (اسفند) ۱۳۰۰ بنشینند، چندسالی بعد (۱۳۰۸) دوباره
 با زمان خود را با نام "تشکیلات ایالتی خراسان فرقه کمونیست ایران" برپا
 کردند و به انتشار نشریه‌ای به نام "کمونیست" دست زدند (۲۲). آیا به راستی
 مناسبات و توازن نیروهای جامعه تغییر یافته بود که چنین نام‌گذاری را که
 بی تردید متاثر از چشم اندازی دیگر بود، ضروری می‌کرد؟ می‌دانیم که در آن
 هنگام "جنبش انقلابی" نه تنها در خراسان "اعتلایی" نداشت، بل در سراسر
 ایران "افت" بیشتری را نیز تجربه می‌کرد. اما می‌دانیم که آن زمان، زمانه
 دگرگونیهای چشمگیر در سیاستهای کمینترن بود •

پیوست

مراومه حزب رنجبران ایران

همچنان که دین شامل قوانین و قواعدی است که خداوند توسط انبیاء
 معصوم خود برای هدایت نوع بشر که در معیشت محتاج آن است وضع نموده و از
 آنجا که خداوند با ارزانی رحمت خود به بشر چنان اراده فرموده که بنا آدمی در
 سایه ایمان و زندگی منطقی بر این قوانین به مدارجی نائل آیند که لازمه
 حیاتی عقلانی و نهایتاً طی طریق به سمت هدف واقعی در جهان باقی که در آن
 زندگی ازللی خواهد بود، همینطور هم اصولی وجود دارد که شامل بر قواعدی که
 مبین طریق نیل به اهدافی از جمله حریت مطبوعات و عقاید و اجتماعات است.
 استیفاء چنین اهدافی برای انحاء نواقص حیات بشر که لازم است - برای
 نیل به این احتیاجات دو عامل اساسی وجود دارد: ۱- مقصود ۲- تشکیلات و اصول.
 اگر حکومت ملی ایران بتواند از اهمیت جغرافیایی ایران - یعنی
 وقوع در آسیای مرکزی - متمتع شود، روابط سیاسی و اقتصادی با قدرتهای
 خارجی متزاید خواهد شد. اما اگر در رویت این امر تصور شود حکومت در تلسه
 سیاستهای احاطه خواهد یافت دو مرگی ازللی بر او مسلط خواهد شد. بنا بر این
 مقصود حزب رنجبران ایران، بخصوص در زمان حاضر که در اکناف عالم اهتمام
 برای استقرار صلح بین المللی و روابط سیاسی و اقتصادی در شرف تکوین
 است - تشکل رنجبران و مجاهدت در یک حزب سیاسی بدون تقلید می‌باشد، تا
 پس از کسب قدرت، ستون چنان حکومتی را استوار سازد که با احتیاجات جدید
 خود را منطبق ساخته، کشور را از محاصره اقتصادی مصون داشته و حامی آن در
 برابر تجار و زاجانب باشد. برای رسیدن به چنین هدفی شرایط است که هر شخص
 با شرف و وطن پرست خواهان سیاست حریت و استقلال ایران که بدنبال رویت



ترقی و توفیق و تاملین تمامیت این آب و خاک است بی وقفه به حزب رنجبران ایران متصل شود و بلافاصله و با شجاعت و در عین حریت به دنبال کاروان طالبین عدالت زمان حاضر طی طریق کند. هر فردی با بدکلیه مساعی خود را صرف اهتمام برای ترقی ایران کند. حزب رنجبران ایران تنها برای چنین مقصدی تشکیل شده است. این حزب در ظل توجهات دوازده ماهه و تحت حمایت اتحاد رنجبران که اکثریت مردم این کشور را تشکیل می دهند قوام یافته است. این حزب از کلیه اعضا خود انتظار دارد که صادق و امین بوده و به اصول اسلام وفادار بمانند.

اصول

- مقاصدی که حزب رنجبران ایران تعقیب می کند عبارتند از:
- الف) حمایت از حق مردم برای حکومت بر خود از طریق انتخاب حکام، آن هم در انتخابات عمومی.
 - ب) حذف امتیازات.
 - ج) قطع شجره قدرت و امتیازات اشرافیت منحط.
 - د) تضمین تاوان مافات.
 - ه) وفاداری به دین.

تشکیلات حکومتی

- ۱- وضع قوانین مخصوصه از اختیارات مجلس است که منبع قدرت حکومتی بشمار می آید.
- ۲- قوای تقنینیه، قضائیه و اجرائیه حکومت ملی باید از یکدیگر منفک باشند.
- ۳- وزرا باید منتخب وکلای مجلس که خود وکلای ملتند، باشند.
- ۴- وزرا در قبال مجلس ملی مسئولند.
- ۵- وزرا مسئول اما ننداری یکدیگرند.
- ۶- قوانین فقط وقتی معتبر است که از مجلس بگذرد.
- ۷- تساوی حقوق همه افراد در قبال قانون.
- ۸- حریت عقاید، مطبوعات، اشتغال، محل اقامت و مسافرت، حق اجتماع و حق اعتصاب.
- ۹- حمایت از حیات، مایملک و محل اقامت افراد.
- ۱۰- انتخابات باید عمومی، یکدست، مخفی و مستقیم باشد.
- ۱۱- هر فردی که بیشتر از ۱۵ سال داشته باشد حق رای خواهد داشت و هر فردی که بیشتر از ۳۰ سال داشته باشد حق انتخاب شدن خواهد داشت.



- ۱۲- از آنجا که علما و کیل انتشار و تشجیع قوانین مذهبی اسلام و حافظ حقوق ملتند و بمثابه عوامل اجرایی تصمیمات دولتی محسوب می شوند، پس با یدتحت نظارت حکومت قرار گیرند.
- ۱۳- تحصیلات ابتدائی با یدمجانی واجباً ریبا شد.
- ۱۴- به تحصیل نسیان با یدبذل توجه مخصوص شود.
- ۱۵- در تحصیلات با یدالسنه ملی و مذهبی معمول شود.
- مالیه
- ۱۶- در اجرای وصول مالیات همیشه با یدمالیات مستقیم بر مالیات غیرمستقیم ارجح باشد.
- ۱۷- اخذ مالیات غیرمستقیم ضروری است و از آن با یدبرای ترقی حرفه و فن و همینطور سهولت امر تجارت و تزیاید جمعیت متمتع شد.
- ۱۸- مالیات با یدبر حسب میزان ثروت وصول شود.
- ۱۹- حریت فروش کلیه امتعه غذایی با یدمعمول شود.
- ۲۰- امحاء کلیه حقوق تقاعد غیر قانونی.
- ۲۱- کلیه موقوفات با یدتحت نظارت حکومت قرار گیرد.
- ۲۲- عواید حاصله از آن دسته از موقوفات شرعی که برای مقصد معینی اختصاص نیافته است با یدصرف تحصیلات عمومی و آموزشی شود.
- ۲۳- مقیاس لازم برای تضمین رفاه عمومی با یدمعمول شود.
- ۲۴- رودخانه ها، جنگلها، مراتع و معادن با یدتحت مالکیت حکومت درآید.
- ۲۵- استخدام و مزدوری پسران کمتر از ۱۵ سال با یدممنوع شود.
- ۲۶- ساعات کار کارگران با یددهشت ساعت در روز اعلام شود.
- ۲۷- علاوه بر تعطیلات عمومی دیگر، جمعه ها نیز با یدمثابه تعطیل عمومی اعلام شود.
- ۲۸- منابع طبیعی با یداستخراج و فلاحات تشویق شود.
- ۲۹- احتکار غله با یدممنوع شود.
- ۳۰- معاملات حکومتی با یدها قین و کارگران با یدعا دلانه صورت گیرد.
- ۳۱- اعمال قانون از سوی حکومت بر عا مه با یدبه یک نحو باشد.
- ۳۲- کار اجباری (بیگاری) مرسوم کشاورزان و دهاقین برای مالکان با ید حذف شود.
- ۳۳- کلیه حقوق مالکان بردها قین با یدمحوشود.

قشون

۳۴- وظیفه نظام با یدبرای عموم اجباری باشد.



۳۵- کلیه افراد که از صحت مزاج برخوردارند باید دو سال با احتساب مدارج نظامی وظیفه نظام کنند.

عدلیه

۳۶- محاکم باید عموماً آزاد و مجانی باشد و تصمیمات آن سریع و برای عامه به یک نحو باشد.

۳۷- دلایل جلب یا بدسریرا به اطلاع زندانی برسد.

در مطبعه "طوس" بازار سرشور (مشهد) طبع شد.

منابع:

- ۱- اسماعیل رائین، اسناد و خاطره های حیدرخان عمو و غلی، جلد دوم، تهران، ۱۳۵۸، ص ۲۶۵.
- ۲- برای آگاهی بیشتر در این زمینه می توان به تحقیق بدیع همانا طق به نام "انجمنهای شورایی در انقلاب مشروطیت"، الفبا، دوره جدید، شماره ۴، رجوع کرد.
- ۳- نظامنامه شعبه ایرانی جمعیت "مجاهدین" متشکله در مشهد، دنیا، دوره دوم، سال چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۳۴۲، ص ۸۹-۹۹.
- ۴- عبدالصمد کا میخس، درباره سوسیال دموکراسی انقلابی، دنیا، دوره دوم، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۴۱، ص ۴۲.
- ۵- چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، نشر گستره، تهران، ۱۳۶۲، ص ۴۹.
- ۶- ذاکر عبداللہ یف، پیدایش صنایع و طبقه کارگر در ایران، باکو، ۱۹۶۳، ص ۷۸ (به نقل از جعفر مجیری، قیام خراسان و درسهای آن، دنیا، دوره دوم، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۴۵، ص ۱۰۵).
- ۷- این نوشته، جای این بحث نیست که آیا کسانی را که در این کارگاهها به کار اشتغال داشتند می توان از آحاد "طبقه کارگر" به معنای جامعه شناسانه و امروزی دانست یا نه. آنچه اینجا مورد توجه است، این است که کارگاهها یکی از این دست، از سوی کمیستهای خراسانی بمنابهمرکز عمده تبلیغ و ترویج آرا و اندیشه هاشان به شمار می آمدند.
- ۸- اسماعیل رائین، همانجا، ص ۱۵۶.
- ۹- همانجا، همان صفحه.
- ۱۰- کاردار نظامی کنسولگری انگلیس در مشهد در گزارشهای خود از اسنادی نام می برد که به ترجمه او مهر Central Revolutionary Committee, The Liberator of Khorassan را با خود دارند. اسناد وزارت خارجه انگلیس (F.O. 371/7802).
- ۱۱- اسماعیل رائین، پیشین، ص ۲۱۰.
- ۱۲- همانجا، ص ۱۵۸، ۱۳ و ۱۴.
- ۱۳- اسناد وزارت خارجه انگلیس (F.O. 371/7802).
- ۱۴- جواد فنازاده



از یاران حیدرخان عمو اوغلی بود. او در یادداشت‌هایی که بعدها در روزنامه آذربایجان (شماره‌های ۱۴۲۲ و ۱۴۲۳) منتشر کرد، از جگونگی آشنایی خود با حیدرخان یاد کرده است. در این یادداشت‌ها آمده که برای نخستین بار به سال ۱۲۹۶ و در برلین بود که او با حیدرخان آشنا شد. آن زمان قنادزاده در روزنامه کاوه کار می‌کرد و زبان آلمانی می‌آموخت. از این زمان به بعد دیگر نشانی از این پیوندنداریم تا یک بار دیگر قنادزاده را در کنار حیدرخان در کنگره ملل شرق - باکو، شهریور ۱۲۹۹ خ می‌بینیم. (رضاروستا، زندگی و فعالیت یکی از درخشان‌ترین مردان انقلابی ایران، دنیا، دوره دوم، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۴۱، ص ۶۸ و ۶۵). ۱۶- علی شمیده، سیمای دیگری از حیدرخان، به نفل از اسماعیل راغین، همانجا، ص ۱۵۴. ۱۷- اسناد وزارت خارجه انگلیس (F.O. 371/7804). ۱۸- همانجا. ۱۹- همانجا. ۲۰- مراسمات حزب رنجبران ایران که در پیوست آمده، بر گردانی است از ترجمه انگلیسی این متن که به شماره (F.O. 371/7821) در مجموعه اسناد وزارت خارجه انگلیس ضبط شده است. در برگردان فارسی تلاش شده تا سبک نگارش و واژگان سیاسی به مضمون نگارشهای آن زمان نزدیکتر باشد. ۲۱- برای عمیاتنا مه و پیشنهادات حتمی الاجرای کمیته خراسان فرقه اشتراکیون اکثریون ایران عدالت نگاه‌کسیدیه دنیا، دوره دوم، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۴۱، ص ۱۱۳. ۲۲- آردشس آوانسیان، سازمان حزب کمونیست ایران در خراسان، دنیا، دوره دوم، سال ششم، شماره سوم، یائیز ۱۳۴۴، ص ۷۶.